

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْبَنِي إِسْرَائِيلَ



سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْبَنِي إِسْرَائِيلَ

ضيافت خلیل

نشریه ضیافت خلیل، ویژه حجاج بیت الله الحرام
سال دوم، شماره پنجم مهر ۱۴۰۰ ه.ش
صفر ۱۴۴۳ ه.ق، ۱۱ صفحه

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
معاونت فرهنگی
مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج

خدا حافظی

محورهای خطبه رسول خدا ﷺ
در حجة الوداع

روایتی درباره
آخرین حج
امام رضا علیه السلام

فرزند راستین مکه

درنگی در فرازی از خطبه
امام سجاد علیه السلام در شام

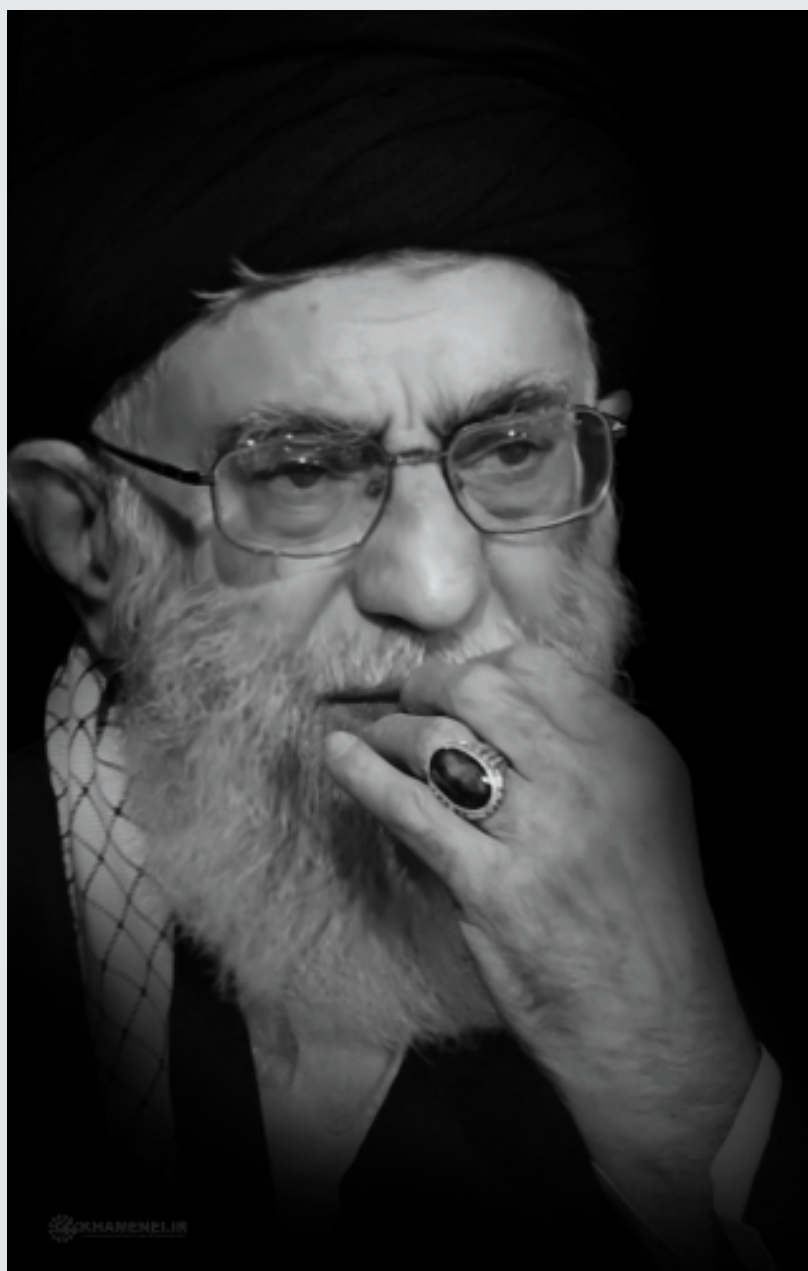
اسرار حج در کلام
امام رضا علیه السلام

اربعین حسینی از
اختصاصات امام
حسین علیه السلام

شهادت و وصیت
سبط اکبر
رسول خدا ﷺ

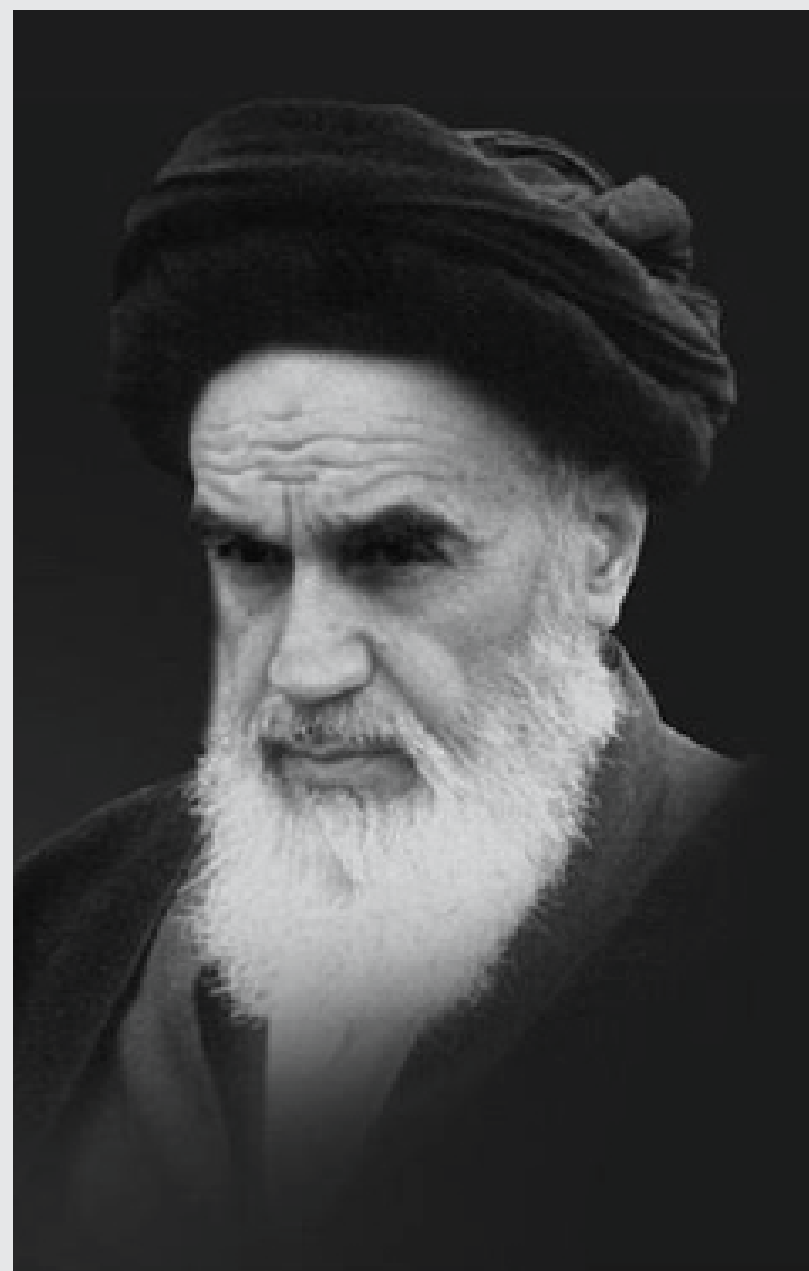


صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بَنِي آدَمَ بِمَا بَدَلْتُمُوهَا



باید مسلمانان در جامعه اسلامی، از حالت بی تفاوتی نسبت به یکدیگر خارج بشوند. یکی از فصول زندگی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و الله وسلامه این بود که فضای بی تفاوتی را، به فضای محبت و همکاری و برادری و ایجاد یک مجموعه همکار با یکدیگر تبدیل کند.

۲۸ مهر ۱۳۶۸



پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و الله وسلامه این طور بوده که حتی کفار را هم وقتی که ملاحظه می فرمود که این ها مسلم نمی شوند، غصه می خورد برای آن ها که چرا باید این ها مسلم نشوند و بعد به آن شقاوت ها و به آن عذاب ها برسند.

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۶۲۴

فهرست

- ۴ اربعین حسینی از اختصاصات امام حسین صلى الله عليه وآله
- ۵ حج خداحافظی
- ۶ شهادت و وصیت سبط اکبر رسول خدا صلى الله عليه وآله
- ۶ فرزند راستین مکه
- ۷ روایتی درباره آخرین حج امام رضا صلى الله عليه وآله
- ۷ اسرار حج در کلام امام رضا صلى الله عليه وآله
- ۸ نگرانی از تکلیف سنگین
- ۹ تفسیر و شواهد قرآنی مسئله حج در اندیشه مقام معظم رهبری حفظه الله
- ۱۰ سلسله مباحث توسل، بخش دوم
- ۱۱ احادیثی از رسول خدا صلى الله عليه وآله امام حسن و امام رضا عليهما السلام
- ۱۱ معرفی کتاب



اربعین حسینی از اختصاصات امام حسین علیہ السلام

برگرفته از کتاب:
پیشینه، اهمیت و چرایی اربعین
حجت الاسلام والمسلمین
حمید احمدی حاجیکلایی

دلایل پاسداشت اربعین حسینی
پاسداشت اربعین بین شیعیان همواره از جایگاه و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است. در دوره اخیر مراسم راهپیمایی اربعین باشکوه با حضور انبوه جمعیت همراه با آیین‌های خاص منجر به گسترش ابعاد جهانی آن شده؛ و آن را به یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های محبان اهل بیت علیهم السلام و بلکه همه مسلمانان در جهان بدل ساخته است.

اینکه چرا و به چه دلیل این روز به عنوان اربعین، بزرگ داشته می‌شود و برای آن آداب و آیین‌های خاصی وارد شده؛ موضوع این رساله است که به اختصار با بررسی و مراجعه به منابع تاریخی و روایی بدان پرداخته می‌شود.

برای اربعین حسینی علیهم السلام دلایل و علل زیر بیان شده است علیهم السلام

۱. زیارت مخصوصی که از سنت‌های زیارت امام در روز اربعین از دور یا نزدیک می‌باشد.
۲. ورود اهل بیت امام حسین علیهم السلام در روز اربعین به کربلا
۳. ورود جابر بن عبدالله انصاری به همراه عطیه کوفی به کربلا در بیستم صفر به عنوان اولین زائران مرقد شریف سیدالشهدا علیهم السلام و اصحابش.
۴. دفن سرهای مطهر و الحاق آن‌ها به بدن‌های پاکشان در روز اربعین

نه در ادیان دیگر و نه در اسلام پیشینه و سابقه‌ای ندارد. این آیین و آداب فقط برای حضرت سیدالشهدا علیهم السلام وضع، توصیه و به اجرا درمی‌آید. برای هیچ کس دیگری زیارت اربعین و مراسم و آیین اربعینی روایت و گزارش نشده و وجود ندارد و لذا از مختصات آن حضرت است. آنچه امروزه در فرهنگ شیعیان برای درگذشتگان مراسم چهلم برپا می‌کنند نیز متأثر از همین خصیصه ویژه حضرت سیدالشهدا علیهم السلام است که در بین مؤمنان جریان یافته است.

بنابراین میتوان گفت که اربعین پیش از شهادت امام حسین علیهم السلام هیچگونه جلوه و شأنی نداشته است. و این آیین و زیارت با درایت و کیاست اهل بیت علیهم السلام بطور اختصاصی و ویژه برای زنده نگهداشتن و بزرگ داشتن نام و یاد سالار شهیدان جریان شورانگیز و نهضت بزرگ کربلا و امام حسین علیهم السلام وضع، طراحی و فرهنگ سازی شد.

این همان نکته‌ای است که امام حسن عسکری علیهم السلام بدان اشاره می‌کنند و آن را از ویژگی‌های مؤمن برمی‌شمرد. همه کسانی که با فرهنگ و ادبیات اهل بیت علیهم السلام آشنا هستند، می‌دانند که عبارت و واژه «مؤمن» در این مکتب به ویژه در دوره متأخر، برای شیعیان اهل بیت علیهم السلام به کار می‌رفته. که این امر نیز تأییدی است بر اینکه مراسم، آیین و زیارت اربعین از ویژگی‌های اختصاصی سیدالشهدا علیهم السلام است.

در متون روایی و ادعیه در مناسبت‌هایی غیر از روز عاشورا نیز زیارات متعددی برای حضرت سیدالشهدا علیهم السلام از ائمه هدی علیهم السلام گزارش شده است.^۱ همانند زیارت امام حسین علیهم السلام در روز عرفه، در اعیاد قربان و فطر، در نیمه شعبان، در ایام ماه رجب، شب‌های قدر و در شب و روز جمعه.^۲

یکی از زیارات مورد تأکید و توصیه در متون و منابع متعدد کهن روایی و زیارات و ادعیه شیعی، زیارت امام حسین علیهم السلام در روز اربعین است تا آنجا که امام حسن عسکری علیهم السلام زیارت اربعین را یکی از ویژگی‌های مؤمنان بر می‌شمارد علیهم السلام

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَاةُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ،
وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ، وَتَعْفِيرُ الْجَبِينِ
وَالجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۳

به‌طور کلی در متون روایی و گزارش‌های تاریخی، چنانچه شیخ طوسی در مصباح آورده‌اند، به زیارت اربعین حسینی، به عنوان چهلمین روز شهادت امام حسین علیهم السلام مصادف با ۲۰ صفر توجه ویژه‌ای شده است.

این اهمیت و توجه، جایگاه این زیارت را در فرهنگ شیعی ارتقا بخشید و آن را به یکی از آیین‌های زیارتی خاص حضرت سیدالشهدا علیهم السلام در آورده است؛ چنانچه روایتی از امام صادق علیهم السلام در دست است که برای چگونگی و کیفیت زیارت، زیارت‌نامه و آدابی را توصیه می‌کنند.

با بررسی متون و منابع تاریخی، اطمینان حاصل می‌شود که آیین و مراسم اربعین،

۱. رک: مفید، المزار، ص ۵۳

۲. رک: شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب ۴۹ تا ۵۷.

۳. همان، باب ۵۷.

حج خدا حافظی | محورهای خطبه رسول خدا ﷺ در حجة الوداع

رسول اکرم ﷺ در طول عمر شریف خود بیست و یک حج گزارد که تنها یکی از آنها پس از هجرت به مدینه و در سال دهم هجری بود. این حج که به «حجة الوداع» معروف است، در متون روایی به طور کامل گزارش شده است. متن پیش رو بیان محورهای کلی بیانات نورانی خاتم النبیین ﷺ است در حجة الوداع:

۱. تهذیب نفس و تزکیه روح در محورهای سه گانه توحید، پیوند با امام و اتحاد و اتفاق و حفظ هماهنگی عامه مؤمنان؛ بنابراین، حج گزار خدا را به اخلاص کامل و بی شائبه در دین او می پرستد و سران و پیشوایان خویش را نصیحت و درباره آنان خیرخواهی می کند و با جامعه اسلامی همراه است.

۲. برقراری امنیت همه جانبه و حفظ مال و خون مردم از تهاجم؛ بنابراین، حج گزار به زبردستان خویش محبت می ورزد و خود را بر آنها برتر نمی شمارد، بلکه با آنان بر سربیک سفره می نشیند و آنچه را خود می پوشد بدانان می پوشاند.

۳. حفظ اصل مساوات و برابری فردی و نژادی؛ بنابراین، حج گزار در پی مساوات با مردم است و خود را بر دیگری برتر نمی بیند و قوم خویش را بر قوم دیگر مقدم نمی شمارد و افراد و ملت ها را یکسان و برابر می بیند.

۴. پالایش جامعه اسلامی از سنت های جاهلی در مورد اموال و خون ها و بغض و کینه ها؛ بدین صورت که خونخواهی ها و خونریزی هایی که در جاهلیت بر محور انتقام جابرانه و کینه توزی های خصمانه رایج بود، خاتمه داده شود و رباخواری های گذشته که خون آشامی اقتصادی بود، پایان یافته تلقی گردد.

۵. رعایت حقوق زنان و با آنان به نیکی رفتار کردن و زحمات آنان را با خدمات متقابل و متعادل جبران کردن.

۶. محترم شمردن حقوق خدمتگزاران و کارگران و زبردستان و برطرف کردن نیازمندی های آنان در خوراک و پوشاک، همانند خود؛ بنابراین، حج گزار به زبردستان خویش محبت می ورزد و خود را بر

آنها برتر نمی شمارد، بلکه با آنان بر سربیک سفره می نشیند و آنچه را خود می پوشد بدانان می پوشاند.

۷. اصول برادری و فضایل اخلاقی را نسبت به برادران اسلامی رعایت کردن و حیثیت و آبروی آنان را محترم شمردن و به مال و خون آنان تعدی نکردن؛ بنابراین، حج گزار با هر مسلمان دیگری برادر دینی است. همچنین او پاک است و جز پاک را قصد نمی کند.

۸. قرآن کریم و اهل بیت نبوت و امام علی را گرامی داشتن و از این دو وزنه وزین الهام گرفتن و از آنها جدا نشدن؛ بنابراین، حج گزار به ریسمان خداوند چنگ می زند و هرکس به ریسمان خدا چنگ انداخت به راه راست هدایت شده است.

۹. همگان را در برابر قانون الهی مسئول دانستن و از احکام اسلام پاسداری کردن و به عنوان ره توشه حج و زیارت کعبه، آنچه را در آن صحنه گذشت به غایبان رساندن؛ بنابراین، حج گزار، فقیهی است که برای مسلمان دیگری که توفیق

حضور در مواقع را نداشته و حرمین و اجتماعاتی را که در آنها برپا شده ادراک نکرده، حامل بار فقه است.

۱۰. ولایت و امامت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب را مطرح کردن و امت را با امام آشنا کردن و امام را به امت شناساندن و اطاعت او را چون اطاعت پیامبر دانستن و در نتیجه حیات جامعه را زندگی معقول و اسلامی کردن و از زندگی جاهلی نجات دادن.

رسول اکرم ﷺ هنگام بازگشت به مدینه، در «غدیر خم»، فرمود: هرکس که من مولای اویم، علی هم مولای اوست. خداوند! دوستدار علی را دوست بدار و با کسی که با او دشمنی می کند، دشمنی فرما؛ «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ وَاي مَنِ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ».

برگرفته از کتاب صهبای صفا
آیت الله جوادی آملی



شهادت و وصیت

سبط اکبر رسول خدا ﷺ

شهادت امام مجتبیٰ علیه السلام

بعد از ماجرای صلح، امام مجتبیٰ علیه السلام از کوفه به مدینه بازگشت، لیکن معاویه از آن رو که روزبه روز محبت حسن بن علی علیه السلام در دل ها افزون می شد، احساس خطر شدید می کرد و با توجه به این دیدگاه که خلافت را به فرزندش یزید منتقل نماید و حسن بن علی علیه السلام مانع چنین اقدامی است، به توطئه های خویش ادامه داد و امر شهادت و مسمومیت آن دردانه هستی را به همسر آن حضرت، جعده، دختر اشعث بن قیس کندی، با وعده ای مبنی بر اینکه وی را به تزویج یزید در آورد، سپرد؛ ...

وصیت امام مجتبیٰ علیه السلام

و أوصی الحسن حسیناً علیه السلام: «فَاتِي أَوْصِيكَ يَا حُسَيْنُ بِمَنْ خَلَفْتُ مِنْ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِ بَيْتِكَ أَنْ تَصْفَحَ عَنْ مُسِيئِهِمْ وَ تَقْبَلَ مِنْ مُحْسِنِهِمْ وَ تَكُونَ لَهُمْ خَلْفًا وَ وَالِدًا وَ إِنْ تَدْفِنِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاتِي أَحَقُّ بِهِ وَ بَيْتِيهِ ... فَأَنْشُدَكَ اللَّهُ بِالْقَرَابَةِ الَّتِي قَرَّبَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - مِنْكَ وَ الرَّحِمِ الْمَاسِيَةِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَلَا يَهْرَاقُ فِيَّ مِخْجَمَةً مِنْ دَمٍ»^۱.

امام حسن مجتبیٰ به برادر حسین بی علی علیه السلام وصیت کرد که تو را وصیت می کنم که جانشین من در اهل و اولاد باشی و نیز بر اهل بیتت به اینکه با روی گشاده با بدانشان و پذیرش از نیکانشان مواجه شوی و جای مرا بگیری و اینکه مرا در کنار جدم رسول الله ﷺ دفن کنی که من سزاوارتر به او و خانه گرامی اش هستم... اگر از این کار مانع شدند و جلوگیری کردند، من تو را به حق قرابت و نزدیکی که خدا برای تو قرار داده و قرابتی که با رسول خدا داری سوگندت می دهم که اجازه ندهی در این راه به خاطر من به اندازه خونی که از حجامت گرفته می شود خون ریخته شود.

دفن در بقیع

اما حقیقت آن است که منع شدیدی رخ داد و حضرت امام حسین علیه السلام نتوانستند برادر گرامی خویش را در کنار جدش دفن نمایند و لذا طبق فقره دیگر وصیتش که فرموده بود: «فَادْفِنِي بِالْبَقِيعِ»^۲، وقتی اعلام شد که بدن مبارک امام مجتبیٰ علیه السلام را در بقیع دفن خواهند کرد، به قدری جمعیت گرد آمد که اگر کسی سوزنی را از بالا می افکند، نه بر زمین، که بر سر افراد می افتاد.

امام حسین علیه السلام بر پیکر مطهر برادرش حسن بن علی علیه السلام نماز گزارد و بدن مطهرش را در بقیع به خاک سپرد.

۱. مروج الذهب، ج ۳، ص ۵
۲. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۵
۳. همان.

برگرفته از فصلنامه میقات حج، شماره ۸۹، پاییز ۱۳۹۳، علی اکبرنوبی

فرزند راستین مکه

درنگی در فرازی از خطبه
امام سجاد علیه السلام در شام

أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي أَنَا ابْنُ زَمْرَمَ وَالصَّفَا. أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ الرَّكْنَ بِأَطْرَافِ الرِّدَا. أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِمَّنْ انْتَزَرَ وَارْتَدَى. أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِمَّنْ انْتَعَلَ وَاحْتَفَى. أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِمَّنْ طَافَ وَ سَعَى. أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِمَّنْ حَجَّ وَ لَبَّى.

ای مردم! من فرزند مکه و منایم. من فرزند زمزم و صفایم. من فرزند کسی هستم که حجر الأسود را با ردای خود حمل و در جای خود نصب فرمود. من فرزند بهترین طواف و سعی کنندگانم. من فرزند بهترین حج گزاران و تلبیه گوینان هستم.

عوامل العلوم، جلد ۱۷، صفحه ۴۳۸

وقتی که کاروان اسرای کربلا به شام وارد شد و در مسجد جامع دمشق مقر فرمانروایی اموی مجلسی ترتیب یافت، بر اثر خون گرانقدر شهدای کربلا، حکومت وقت مجبور شد که به حضرت سجاد علیه السلام اجازه سخن بدهد و در نتیجه، زمام سخن به دست اهلش افتاد:

«وَ أَنَا امْرَأُ الْكَلَامِ وَ فِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوقُهُ» [همانا ما امیران سخن هستیم، درخت سخن در ما ریشه دوانده و شاخه های آن بر ما سایه افکنده است].^۱، آنگاه حضرتش بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر گرامی اسلام شروع به معرفی خود و معرفی وارثان به حق پیام آوران الهی نمود و در خلال تعریف چنین فرمود: «... أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَ مِنِّي، أَنَا ابْنُ زَمْرَمَ وَ صَفَا»، یعنی فرزند راستین «مکه» کسی است که پاسدار روح قبله و مرزبان جان مطاف باشد. فرزند واقعی «منا» کسی است که به منظور حفظ ره آورد وحی از ایثار و نثار خون دریغ نکند و با فداکاری و قربانی دادن، پیوند خود را با سرزمین قربانی محکم نماید، مولود واقعی زمزم، که در اثر فیض و گوارایی معنویش مورد علاقه پیامبر گرامی اسلام ﷺ بود و مادام که آن حضرت در مدینه بود آن آب را به عنوان هدیه طلب می نمود و می پذیرفت.^۲ کسی است که بانثار بهترین و شایسته ترین خون به پای نهال اسلام آن را بارور کند و همچنین فرزند راستین «صفا» کسی است که در حرم قلب او هیچ رجس و رجزی راه نداشته باشد و بر اساس آیه تطهیر^۳ از هر رجسی منزّه و از تیرگی و آلودگی پاک باشد، و این انسان کامل همان امام سجاد علیه السلام است که بدون او حرمتی برای حرم و مواقف آن نخواهد بود؛ زیرا نه در عرفات، «معرفت» و نه در مشعر، «شعور» و نه در منی، «ذبح عظیم و قربانی با تقوا» و نه در زمزم، «نشانه حیات» و نه در صفا، «علامت زهت و صافی» و نه در رمی جمرات، «رمی شیطان و رجیم طاغوت» و نه در حج و زیارات، «آیات بینات الهی» ظهور نخواهد کرد و بدون امامت هیچ کدام از آن مواقف به حساب شعائر الله شمرده نمی شود ...

کتاب صهبای صفا، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۷۷ و ۱۷۸

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳
۲. وافی، ج ۱۲، ص ۷۹
۳. سوره احزاب، آیه ۳۳



روایتی درباره آخرین حج امام رضا علیه السلام اسرار حج در کلام امام رضا علیه السلام

وَعَلَّةَ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَطَلَبُ الزِّيَادَةِ وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ
وَلِيَكُونَ تَائِبًا مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ وَمَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَ
تَعَبِ الْأَبْدَانِ وَحَظْرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَالتَّقَرُّبِ بِالْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ وَالْخُضُوعِ وَالْإِسْتِكَانَةِ وَالدَّلِّ شَاخِصًا إِلَيْهِ فِي الْحَرِّ وَالْبُرْدِ وَالْأَمْنِ وَالْخَوْفِ
دَائِبًا فِي ذَلِكَ دَائِمًا وَمَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ وَالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ إِلَى اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ وَمِنْهُ تَرْكُ قَسَاوَةِ الْقَلْبِ وَجَسَارَةِ الْأَنْفُسِ وَنِسْيَانِ الذِّكْرِ وَانْقِطَاعِ
الرَّجَاءِ وَالْعَمَلِ [الْأَمَلِ] وَتَجْدِيدِ الْحُقُوقِ وَحَظْرِ النَّفْسِ عَنِ الْفَسَادِ وَمَنْفَعَةٍ مِنْ
فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَعَرَبِيهَا وَمَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّنْ يَحُجُّ وَمِمَّنْ لَا يَحُجُّ مِنْ تَاجِرٍ
وَجَالِبٍ وَبَائِعٍ وَمُشْتَرٍ وَكَاسِبٍ وَمَسْكِينٍ وَقَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَ
الْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْاجْتِمَاعُ فِيهَا ...

علت حج آن است که به درگاه خدا روند و به زیارت او گریند و از گناهان و امور باطل بیرون آیند و توبه کنند و عمل نیکو از سر گیرند و اهداف دیگر مانند استخراج مال و سختی بدن و دوری از شهوات و لذات و تقرب جستن به عبادت حق و خضوع و افتادگی و تحمل سختی و دوری از اهل وطن، و گرما و سرما، و ایمنی و خوف، پیوسته رنج کشیدن و گداختن و در آن کار جمیع خلق را منفعت‌ها است و در آن رغبت و رهبت و خوف و طمع به خداوند عز و جل است و موجب ترک قساوت دل و جسارت نفس‌ها و فراموشی از یاد خداست و سبب انقطاع آرزوها و تازه کردن حقوق و بازداری نفوس از فساد، و از حج به اکثر اهالی جهان نفع می‌رسد، هر که در مشرق و مغرب است و در خشکی و دریا، چه حج گزارد یا نه، از تاجر و فروشنده و خریدار، و کاسب و مسکین، و نیز برآمدن حاجات جماعتی که در اطرافند و می‌توانند آن جا اجتماع کنند...

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۸

وَمِنْ كِتَابِ الدَّلَائِلِ عَنْ أُمِّيَّةَ بِنِ عَلِيٍّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ بِمَكَّةَ فِي السَّنَةِ الَّتِي حَجَّ فِيهَا ثُمَّ صَارَ إِلَى خُرَاسَانَ وَمَعَهُ أَبُو جَعْفَرٍ وَأَبُو الْحَسَنِ يُودَعُ الْبَيْتَ فَلَمَّا قَضَى طَوَافَهُ عَدَلَ إِلَى الْمَقَامِ فَصَلَّى عِنْدَهُ فَصَارَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَى عُنُقِ مُوَفَّقٍ يَطُوفُ بِهِ فَصَارَ أَبُو جَعْفَرٍ إِلَى الْحَجَرِ فَجَلَسَ فِيهِ فَأَطَالَ فَقَالَ لَهُ مُوَفَّقٌ فَمَ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَبْرَحَ مِنْ مَكَانِي هَذَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَإِسْتَبَانَ فِي وَجْهِهِ الْعَمْرُ فَأَتَى مُوَفَّقٌ أَبَا الْحَسَنِ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ جَلَسَ أَبُو جَعْفَرٍ فِي الْحَجَرِ وَهُوَ يَأْتِي أَنْ يَقُومَ فَقَامَ أَبُو الْحَسَنِ فَأَتَى أَبَا جَعْفَرٍ فَقَالَ فَمَ يَا حَبِيبِي فَقَالَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَبْرَحَ مِنْ مَكَانِي هَذَا قَالَ بَلَى يَا حَبِيبِي ثُمَّ قَالَ كَيْفَ أَقُومُ وَقَدْ وَدَعْتُ الْبَيْتَ وَدَاعًا لَا تَرْجِعُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ فَمَ يَا حَبِيبِي فَقَامَ مَعَهُ .

امیة بن علی می‌گوید من در آن حالی که امام رضا علیه السلام در مراسم حج شرکت کرد سپس به سوی خراسان حرکت کرد، در مکه با حضرت بودم و فرزند ایشان امام جواد علیه السلام با حضرت بودند، امام رضا علیه السلام با خانه خدا وداع کردند و چون از طواف خارج شدند، نزد مقام رفتند و آنجا نماز خواندند. امام جواد علیه السلام بر دوش موفق غلام امام رضا علیه السلام بود که ایشان را طواف می‌داد. حضرت جواد علیه السلام نزدیک حجر اسماعیل، از دوش موفق پایین آمدند و مدتی طولانی در آنجا نشستند. موفق گفت: فدایتان شوم برخیزید. امام جواد علیه السلام فرمود: نمی‌خواهم از جایم برخیزم، مگر خدا بخواهد؛ ما اريد ان ابرح من مكاني هذا الا ان يشاء الله و آثار اندوه در چهره امام جواد علیه السلام آشکار شد.

موفق نزد امام رضا علیه السلام رفت و گفت: فدایت شوم، فرزندتان ابوجعفر، در کنار حجر اسماعیل نشسته و بلند نمی‌شود. امام رضا نزد فرزندش آمد و فرمود: عزیزم برخیز. امام جواد علیه السلام عرض کرد: چگونه برخیزم با اینکه خانه خدا را به گونه‌ای وداع کردید که دیگر نزد آن بر نمی‌گردید؟! امام رضا علیه السلام فرمود: فَمَ يَا حَبِيبِي؛ حبيب من برخیز، آنگاه امام جواد علیه السلام برخاست و با امام رضا علیه السلام به راه افتادند.

(کشف الغمة، ج ۲، ص ۳۶۲)



چهار جلد

نگرانی از تکلیف سنگین



نیز در اصل شریعت نبوده، بلکه پس از نافرمانی‌ها به عنوان عقوبت و کیفر، قرار داده شده است. همان‌طور که بنی‌اسرائیل به خاطر نافرمانی‌ها پی‌درپی از خوردن پاره‌ای از گوشت‌های حلال محروم شدند. در آیه ۱۶۰ سوره نساء آمده است: **فَيُظْلَمُونَ مِنَّا مَا هَدَوْا حَرَّمْنَا عَلَيْهِم طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا**.^۱ با این بیان، خداوند برای مردمی که از تکالیف آسان او تمرد و سرپیچی کرده‌اند، به عنوان کیفر، تکالیفی دشوار وضع کند؛ این کار بر خلاف حکمت نیست تا انجام آن از خداوند قبیح باشد، زیرا مقدمات آن را خود انسان، با اختیار خود انجام داده است، پس در نسبت دادن آن به خدا هیچ محذوری ندارد.

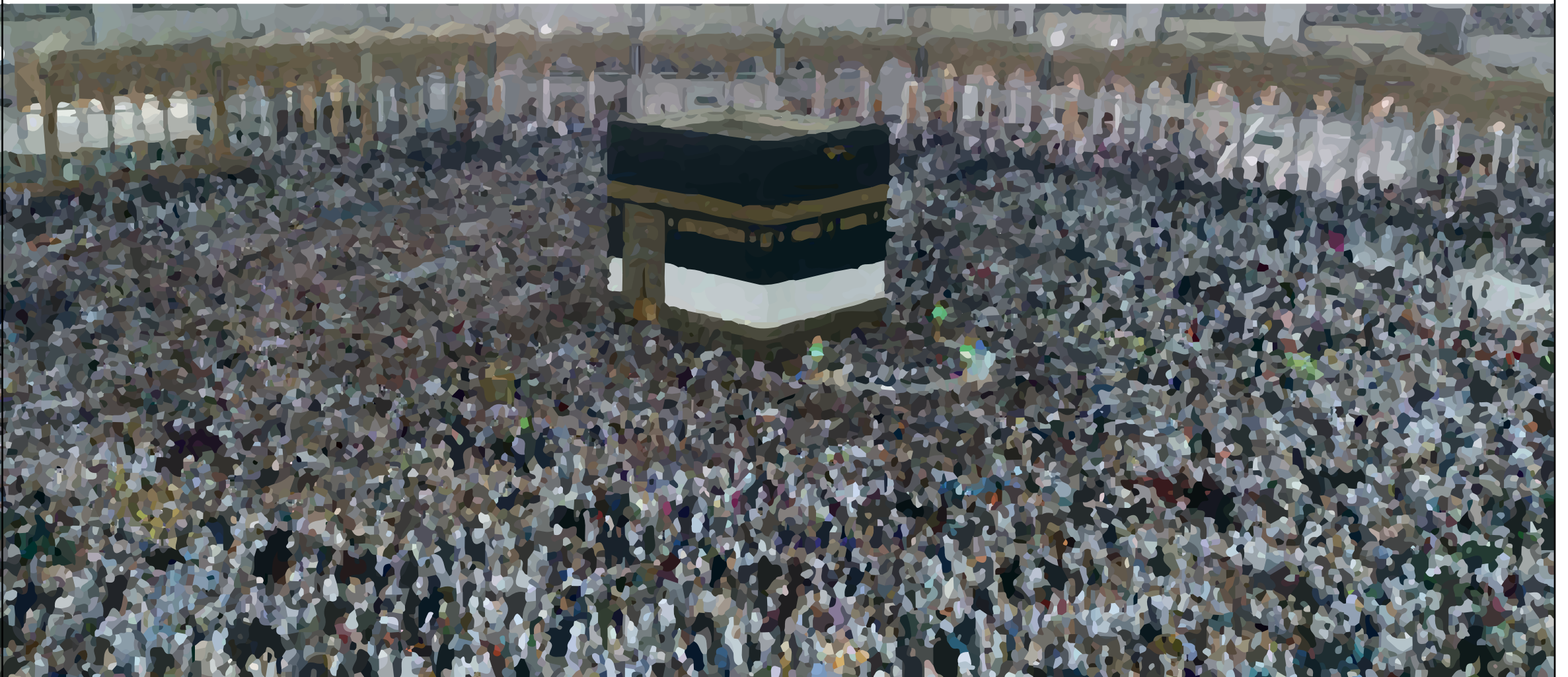
۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۰۳.
۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۸۶.
۳. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۰.

مراد از الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا اهل کتاب و مخصوصاً یهود است، چون در این سوره به بسیاری از داستان‌های ایشان اشاره شده است و همچنین در آیه ۱۵۷ سوره اعراف «اصر» و «اغلال» را به یهود نسبت داده: **وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ**.^۲ در این جمله مؤمنان از خداوند تقاضا دارند، از تکالیف سنگین، که گاهی موجب تخلف افراد از اطاعت پروردگار می‌گردد، آنها را معاف دارد و این همان چیزی است که درباره دستورات اسلام از زبان پیغمبر ﷺ نقل شده است: **بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ أَوْ السَّهْلَةِ**؛ به آیینی مبعوث شده‌ام که عمل به آن برای همه سهل و آسان است.

ممکن است سؤال شود: اگر آسان بودن شریعت و آیین خوب است، پس چرا در اقوام پیشین نبوده؟ پاسخ آن است که از آیات قرآن استفاده می‌شود تکالیف سنگین برای امت‌های پیشین

از آیات قرآن استفاده می‌شود که تکالیف مشکلی که بر امت‌های گذشته مقرر بوده که در اصل دین آن‌ها وجود نداشته، بلکه پس از سرپیچی از دستورات الهی، برای مجازات، بر آن‌ها تکلیف شده است، مانند آنچه در آیه ۱۴۶ سوره انعام درباره بنی‌اسرائیل آمده است: **وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِم شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ**.^۱

عبارت مورد بحث، درخواست عدم تحمیل تکلیف سنگین از جانب حق تعالی است **رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا**. کلمه «اصر» به معنای ثقل و سنگینی است، بعضی هم گفته‌اند به معنای آن است که چیزی را به قهر و غلبه حبس کنی. البته حبس شدن نیز نوعی سنگینی است و بر موجود حبس شده سخت و گران است.



تفسیر و شواهد قرآنی مسئله حج در اندیشه مقام معظم رهبری حفظه الله

مضمون سیاسی حج / بخش اول

ابعاد بین المللی حج تمتع
علت این هم که به ما گفته اند این عملیات (حج تمتع) را با هم انجام بدهید، در يك «فی ایام معدودات»^۱، «فی ایام معلومات»^۲ در يك وقت معینی باید انجام بدهید، همه در این موعد و در این میقات باید جمع بشوند، به نظر می رسد همین باشد که خواسته اند این آثار، ابعاد بین المللی پیدا کند. و الا می گفتند هر کسی در طول سال، هر وقت خواست بیاید همین عملیات را انجام بدهد. این را نگفته اند؛ مثل عمره؛ در عمره هر کسی هر وقتی خواست، می رود انجام می دهد، عمل مستحبی است؛ اما حج این طور نیست. حج باید در يك وقت معینی باشد.^۳

حج، فریضه سیاسی
یقیناً بی دلیل نبوده است که

پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) برای اعلام براءت از مشرکین که یک عمل کاملاً سیاسی و در چهار چوب سیاست کلی نظام و دولت اسلامی اول بود ایام حج را انتخاب فرمود و دستور الهی و قرآنی، اعلام کرد که «وَأَذَانُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ أَلِيمٍ»؛ آری، حج فریضه ای است که مهم ترین گرفتاری های سیاسی امت اسلامی در آن و با آن قابل حل است. بدین معنی، حج، فریضه ای سیاسی است و طبیعت و خصوصیات آن، این را به روشنی نشان می دهد. کسانی که این را انکار و بر ضد آن تبلیغات

می کنند در واقع با حل آن گرفتاری ها مخالف اند. بطور خلاصه، حج، فریضه امت، فریضه وحدت، فریضه اقتدار مسلمین، فریضه اصلاح فرد و جمع و در یک کلمه: فریضه دنیا و آخرت است. آنان که نمی خواهند مضمون سیاسی حج را بپذیرند، در واقع اسلام را دور از سیاست، و دین را از سیاست جدا می خواهند، شعار جدایی دین از سیاست از همان چیزی است که دشمنان حاکمیت اسلام بر جوامع اسلامی، ده ها سال است آن را مطرح کرده اند و امروز که حکومتی بر اساس دین مقدس اسلام در ایران پدید آمده و شوق روزافزون به تشکیل حکومت اسلامی همه جهان اسلام را فرا گرفته است، آن شعار را سراسیمه تر و خشن تر از همیشه مطرح می کنند، و هر جا مقدمات

تحقق این هدف فراهم شده باشد، اگر بتوانند با خشونت و جدیتی تمام بر ضد آن وارد میدان می شوند. حاکمیت اسلام، متضمن مقابله با دخالت مستکبران در کشورهای اسلامی و نیز مستلزم کوتاه شدن دست وابستگان به این قدرت ها و بندگان شیطان نفس و شیطان استکبار، از اداره این کشورهاست. پس طبیعی است که استکبار و وابستگانش و شیطان ها و پیروانشان، از آن ناراضی و خشمگین باشند. و به همان اندازه باید مؤمنان به خدا و روز جزا و معتقدان راستین اسلام از آن استقبال و در راه آن مجاهدت کنند.^۴

۱. بقره/۲۰۲
۲. حج/۲۸
۳. بیانات در دیدار کارگزاران حج: ۱۳۸۵/۹/۱
۴. توبه/۳
۵. پیام به حجاج بیت الله الحرام: ۱۳۷۴/۲/۲۵

سلسله مباحث توسل، بخش دوم

در قسمت گذشته از سلسله مباحث توسل، به تعریف توحید، شرک و توسل پرداخته شد، در این قسمت به با بهره‌گیری از آیات قرآن درباره این شبهه استدلال می‌شود که آیا هر نوع توسل و از استفاده از وسائط، شرک است یا خیر؟



در قسمت گذشته از سلسله مباحث توسل، به تعریف توحید، شرک و توسل پرداخته شد، در این قسمت به با بهره‌گیری از آیات قرآن درباره این شبهه استدلال می‌شود که آیا هر نوع توسل و از استفاده از وسائط، شرک است یا خیر؟

توسل شرک نیست در صحت اینکه انسان مستقیماً چیزی را از خداوند متعال بخواهد شکی نیست، اما صحبت در این است که آیا می‌تواند از وسائط و چیزهایی به عنوان واسطه بین خود و خدا، برای برطرف شدن نیاز و یا تقرب، استفاده می‌کند. خداوند، عالم را بر اساس اسباب و مسببات خلق کرده است و هر یک از اسباب عادی در دیگری به اذن خداوند اثر می‌گذارد. آیات قرآن هم به این نوع سبب و مسبب اشاره دارد، چنان‌که فرمود: آب

سبب خروج میوه‌ها و رزق شماست.^۱ و یا به صراحت تأثیر آب در زرع را بیان می‌کند.^۲ واضح است که خداوند، موثر مستقل و فاعل اصلی است و موجودات مؤثر دیگر در جهان همگی ذاتاً غیر مستقل و از حیث وجود و تأثیر وابسته به خدا هستند. این نوع واسطه‌ها عام هستند و خداوند به صراحت بر وجود آنها اذعان دارد. اما توجه به غیر خدا به سه صورت ممکن است: توجه و واسطه قراردادن چیزی همراه با اعتقاد به اینکه این واسطه، در فعل و کمک‌رسانی خود، از خدا بی‌نیاز بوده و از موضع استقلال، انسان را یاری می‌کند. چنین کمک خواستنی، جز «شرک» نام دیگری ندارد، زیرا اعتقاد به استقلال یک موجود و بی‌نیازی او از خدا از هر نظر مردود است. توسلی که مشرکین بت‌پرست انجام می‌دهند توسلی نامشروع است؛ چرا که آنان توانایی انجام امور و صاحب اختیاری آن را به ملائکه و جن و انس نسبت می‌دهند و عبادت خدای را ترک می‌کنند. نه او را عبادت می‌کنند و نه به او امیدوارند و نه از او بیمناک. بلکه همه امید و

ترسشان در برابر بتهاست. مشرکین نه تنها وسیله را عبادت می‌کردند بلکه با دادن قربانی‌ها به آنها تقرب می‌جستند.^۳ توجه و استعانت از غیر خدا به قید این که این فرد از قدرت و نیروی خدادادی بهره گرفته و انسان را یاری می‌کند. چنین کمک‌خواستنی مایه شرک نیست، بلکه عین توحید است، زیرا جهان آفرینش جهان اسباب و مسببات است و فیض الهی، طبق مشیت خدا از مجاری یک رشته اسباب به انسان می‌رسد و سبب در کار خود، استقلال ندارد و به امر الهی وظیفه خود را صورت می‌دهد. خداوند در قرآن در سوره حمد بیان می‌کند که: «ایاک نستعین» یعنی فقط از تو کمک میجوییم، اما همین قرآن سخن از کمک گرفتن از نماز و صبر و ... به میان می‌آورد. مانند: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».^۴ مسلماً نماز و شکیبایی، فعل انسان است، و با انجام این دو فعل، انسان قوی و نیرومند می‌شود، و مثل «قَالَ مَا مَكَّنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا».^۵ اگر طلب کمک از غیر خدا حرام بود

و یا رنگ شرک داشت، چگونه ذوالقرنین که قرآن به ستایش او پرداخته، از غیر خدا استعانت می‌جوید؟ و یا آیه شریفه: «... وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ...».^۶ که به صراحت از کمک گرفتن مومنین از یکدیگر سخن می‌گوید.^۷ این آیات و آیات دیگر و سیره عقلای جهان، حاکی از آن است که استعانت از غیر خدا به نحوی که بیان شد، ارتباطی به شرک و پرستش فرد ندارد، اگر درخواست کمک از غیر خدا را مایه شرک بدانیم، در روی زمین موحدی وجود نخواهد داشت. در واقع همه مسلمانان جهان، می‌دانند که نصرت واقعی از آن خداست، چنان‌که می‌فرماید: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ».^۸ ولی در عین حال، در کلیه مسائل زندگی از یکدیگر کمک طلبیده و یکدیگر را کمک می‌کنند. توسل ایجاد ارتباط قلبی با یک واسطه خدایی است که در درگاه الهی آبرو دارد و دعای او در پیشگاه خدا مستجاب است. قطعاً التماس دعا داشتن و شفاعت خواستن شرک نخواهد بود.

۱. سوره بقره (۲)، آیه ۲۲: «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَآخَرَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ».
۲. سوره سجده (۳۲)، آیه ۲۷: «وَأَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ».
۳. موسوی همدانی، سید محمد باقر؛ ترجمه تفسیرالمیزان، قم، موسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۱۳، ص ۱۸۰.
۴. سوره بقره (۲)، آیه ۴۵: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ».
۵. سوره کهف (۱۸)، آیه ۹۵: «ذُو الْقُرَيْنِ» گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید) مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آنها سدّ محکمی قرار دهم».
۶. سوره انفال (۸)، آیه ۲۲: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ أُوتُوا وَ نَصَرُوا أَوْلِيكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان یاران یکدیگرند. و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ‌گونه ولایت (دوستی و تعهدی) در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضدّ گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترکِ مخاصمه) است و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، بیناست!
۷. هدف آیه در ایاک نعبد و ایاک نستعین، نقد کمک خواهی مشرکان است که از معبودهای خود کمک می‌طلبیدند، به تصویر این که در افعال و اعمال خود، از خدا بی‌نیاز هستند.
۸. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۲۶: «وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَ لِيُظْمِئْنَ قُلُوبَكُمْ بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» ولی اینها را خداوند فقط بشارت، و برای اطمینان خاطر شما قرار داده و گرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است!

نشریه ضیافت خلیل

سال دوم، شماره پنجم، مهر ۱۴۰۰ ه.ش، صفر ۱۴۴۳ ه.ق
حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، معاونت فرهنگی، مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی
نشانی: تهران، خیابان آزادی، خیابان رودکی شمالی، سازمان حج و زیارت، طبقه اول، اتاق ۲۳۹
تلفن: ۶۴۵۱۲۱۵۲، نمابر: ۶۴۵۱۲۱۵۱
تارنما: mb.hajj.ir

احادیثی از رسول خدا ﷺ امام حسن و امام رضا علیه‌السلام

رسول خدا ﷺ: مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعِ مَعَاشِرَ النَّاسِ

ای مردم! خانه خدا را با دینداری کامل و بصیرت زیارت کنید و از آن مکان‌ها جز با توبه و رهاشدن از گناه باز نگردید. (بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۰۱)

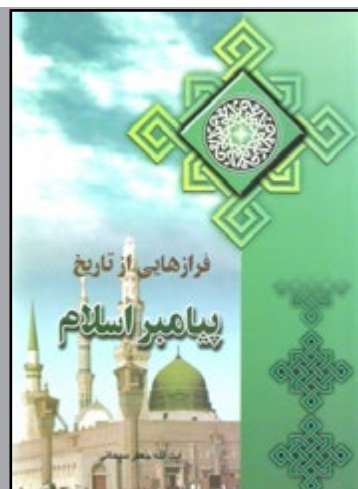
امام حسن مجتبیٰ علیه‌السلام: أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِدَامَةِ التَّفَكُّرِ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَ أُمُّهُ شَمًا را به تقوای الهی و مداومت در تفکر سفارش می‌کنم زیرا تفکر سرچشمه همه خوبی‌هاست. (مجموعه وزام، ج ۱، ص ۵۲)

امام رضا علیه‌السلام: مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

هر که اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف می‌سازد. (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰)



معرفی کتاب



آنچه این کتاب در صدد آن است، بررسی و تحلیل برخی از قداست شکنی‌های وهابیت در قداست‌زدایی از رسول خدا ﷺ است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: نفی عصمت پیامبر اکرم در تلقی و ابلاغ وحی، نفی عصمت پیامبر اکرم در ارتکاب گناهان، انکار توان شنیداری پیامبر اکرم در عالم برزخ، انکار اجماع بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر، اتهام کفر به والدین پیامبر، جواز تغییر صیغه سلام بر پیامبر در تشهد از خطاب به غیبت و... این اثر در چهار فصل تنظیم شده است که فصل نخست آن به مفاهیم و کلیات اختصاص دارد، در فصل دوم قداست‌زدایی وهابیان از شخصیت حقیقی پیامبر اکرم ﷺ در چهار گفتار مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم این اثر است به بررسی قداست‌زدایی وهابیان از شخصیت حقوقی پیامبر اکرم ﷺ می‌پردازد و قداست‌زدایی وهابیت از شخصیت نسبی پیامبر اکرم ﷺ عنوان فصل چهارم این نوشتار است.

اربعین امام حسین ﷺ در بین شیعیان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار و آیین و آداب خاصی هم برای آن مرسوم است. سؤال است که منشأ این مراسم چیست؟ و مبدأ آن کجا است و همچنین منابع تاریخی و متون روایی چه گزارشی از آن ارائه می‌کنند؟ مطابق آنچه میان شیعیان شهرت یافته است در روز بیستم صفر سال ۶۱ هجری یعنی روز چهلم شهادت امام حسین ﷺ و یاران بزرگوارش جابر بن عبدالله انصاری که از اصحاب پیامبر خدا ﷺ بوده است، همراه فردی از شیعیان کوفه به نام عطیه قبر امام حسین ﷺ را در کربلا زیارت کردند و اهل بیت امام حسین ﷺ نیز که در همان روز در راه بازگشت از شام به کربلا رسیده بودند، جابرا ملاقات کردند. همچنین مشهور است که سر مقدس امام حسین ﷺ در این روز به بدن مطهرشان ملحق گردید. اندیشمندی در دوره‌ی معاصر به انکار رسیدن اهل بیت حضرت سیدالشهدا ﷺ به کربلا پرداختند.

در این نوشتار در سه فصل و با استفاده از منابع گوناگون تاریخی به اجمال نظرات مختلف و دلایل آن طرح و به چرایی نام گرفتن روز بیستم صفر به اربعین حسینی و اعتبار بالای آن پرداخته شده است.

این کتاب در ۷۰ صفحه توسط انتشارات رواق تاریخ و اندیشه معاصر در قطع جیبی منتشر شده است.

کتاب فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام ﷺ خلاصه کتاب فروغ ابدیت تألیف محقق فرزانه حضرت آیت الله سبحانی، تاریخی است روشن و گویای حوادث و وقایع عصر نبی مکرم اسلام ﷺ که با اتکا به معتبرترین مدارک تاریخ اسلام فراهم آمده است. در این کتاب دربارهٔ بدو زندگی پیامبر ﷺ، دوران کودکی، نوجوانی، جوانی و میانسالی حضرت مطالبی ارائه شده است. همچنین دربارهٔ رسالت حضرت و ازدواج ایشان با حضرت خدیجه ﷺ و دیگر مسائل دوران پیامبر مطالبی خواندنی آمده است. از مزایای مهم این کتاب آن است که تنها به ذکر حوادث تاریخی قناعت نشده بلکه سعی شده تحلیل لازم دربارهٔ علل حوادث گوناگون و نتایج آن‌ها به عمل آید تا هدف نهایی که آموزنده بودن تاریخ است به طور کامل فراهم گردد. از دیگر امتیازات کتاب آن است که با مدارک تاریخی شیعه کاملاً مطابقت دارد و از خرافات و افسانه‌ها خالی می‌باشد.

کتاب صلح امام حسن ﷺ، پر شکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، تألیف آیت‌الله شیخ راضی آل یاسین پژوهشگر و عالم دینی شیعی با ترجمه مقام معظم رهبری ﷺ است. کتاب با گفتاری نسبتاً مفصل از علامه عبدالحسن شرف‌الدین، رهبر شیعیان لبنان در نیمه دوم قرن گذشته هجری قمری و پیشگفتار کوتاه نویسنده دربارهٔ تحقیق و کتابش آغاز می‌شود و پس از پرداختی کوتاه به زندگی‌نامه و سیره و سیمای حضرت امام حسن ﷺ به سراغ محور اصلی بحث یعنی زندگی سیاسی پرفراز و نشیب ایشان می‌رود. در بخش‌های دوم و سوم که پیکره اصلی تحقیق را شکل می‌دهند، سخن از موقعیت سیاسی ویژه آن روزگار و چرایی و چگونگی صلح و پیامدهای آن است؛ نویسنده با نگاهی ژرف به تحلیل داده‌های تاریخی و مدارک و اسناد معتبر پرداخته و تصویر روشن و منسجمی از موضوع ارائه نموده است. در بخش پایانی نیز مقایسه‌ای کوتاه و فشرده میان شرایط زمانه امام حسن با روزگار امام حسین ﷺ صورت گرفته است.